

کارانی محبت در تربیت و تکامل

حجة الاسلام صادقی اردستانی

باران رحمت "محبت" درگشترار وجود کودکان نهال نشاط و امید و تحرک غرس می نماید، و طوفان خشم و خشونت، آرامش و آرمانهای طلائی را، چون باد خزان پاییزی به کانون غمبار و مرگباری تبدیل می گرداند!

تأثیر مثبت و منفی این دوشیوه راهم، بارها همگان، در فضاهای آموزشی و تربیتی، به چشم خود دیده ایم، و آنحاکه ثمرهء روش "بکارگیری محبت" امیدها و نویدها و خلاقیتها گردیده، بر میوه های شیرین باغبانان تربیتی، آفرین نثار کرده ایم، و آنجا هم که روش های خشونت و دافعه دار، نهالهای نوری را افسرده و پژمرده و احياناً "خراب و تباه نموده، حداقل اشک حسرتی ریخته، و "خارندامتی به دل خلیده ایم!"

امام علی (ع) فرموده، من نصب نفسه للناس اماما، طیبیده بتعلیم نفسه قبل تعلیم غیره، ولیکن تاء دیده بسیرته، قبل تاء دیده بلسانه، و معلم نفسه وموءء دبهها، احق بالاجلال من معلم الناس، وموءء دیهم.

هرکس به مقام پیشوائی و راهبری جامعه قیام می کند، حتماً باید به آموزش خویشتن، قبل از آموزش دیگران اقدام کند، و نیز قبل از اینکه با زبان به تعلیم و تاء دیدب بپردازد، باشیوه رفتاری خویش دیگرانرا برورش دهد، زیرا معلم و پرورش دهنده خویشتن از معلم و مربی دیگران بودن، بیشتر درخور تقدیس و ستایش است.

آری، این معنی یک واقعیت تربیتی چشمگیر در جامعه اسلامی است، و اثر روانی و تلقینی آنرا هم هرگز نمی توان نادیده گرفت، و عموماً افراد و خصوصاً کودکان بر اساس نقش "تقلید پذیری" این عادت را دارند، که، آموزش و پرورش، و سازندگی وجهت دهی را، از افرادی که خود اهل عمل و رفتار سالم و شایسته باشند، بهتر می پذیرند، و این پذیرشهای مثبت و متعالی در نهاد آنان، بصورت یک سلسله عادت های رسنه دار، حذب و جایگزین می گردد، چنانکه خصلت های بی نظمی و بی مبالاتی، و خلاصه اخلاق و رفتارهای ناپسند مربی و معلم، نقش آفرین زشتی ها و نیاپی ها خواهد بود، آنوقت بدلیل این مسؤولیت سنگین، و برای بازدهی مثبت تربیتی، مربیان باید سخت درمقام کستن سازی و پیرواسته بودن از هرگونه نوافض و کاستی ها برآیند.

امام علی (ع) می فرماید: اذا رأیت من غیرک خلقاً زمیماً، فتحنب من نفسک اسأله.

هرگاه در رفتار و کردار دیگران، خصلت های

در این رهگذر، این قلم، بر سر آنست که چون گذشته، به دریای معارف درخشان اسلام عزیز، غوصی نماید، و در قلمرو ضرورت بکارگیری روش محبت، و تاء ثیر سازنده و تکامل بخش آن، از گوهرهای جاودانی، "دامنی برکند" و اولیاء و مربیان و معلمان "اصحاب را هدیه ای" عطا نماید.

بدین لحاظ، این مقال را، درسه بخش: ۱- خویشتن سازی مربی، ۲- ضرورت روش محبت، ۳- حاذبه انقلابی محبت، با استناد به متون اسلامی، بطور فشرده پی می گیریم:

الف: خویشتن سازی مربی

اینکه خویشتن سازی "مربی" را مطرح می کنیم، هرگز نباید تصور شود، که "عنصر معلم" از این دایره خارج می شود، و صرفاً "مربی به معنی علمی و تخصصی آن منظور می باشد، زیرا بدلیل پیوستگی تنگاتنگ آموزش و پرورش، و اینکسه در جامعه اسلامی ما، مسؤولیت های وحدانی و انسانی هر معلمی را غیر از آموزش، به پرورش نیز می کشاند مربی و معلم و اولیاء بیشتر، مخاطب رهنمودهای مقدس اولیاء گرامی اسلام خواهند بود.

بهر حال، آنچه مهم است، معلم و مربی قرار است "کارانیاء" را انجام دهند، و مجموعه معلم و مربی و اولیاء، و بالاخره خانه و مدرسه، می خواهند، نسل سالم و صالح و رشید و سربلند برای جامعه اسلامی، پرورش دهند.

از این نظر، خویشتن سازی "این رهبران" برای "رهروان" یک ضرورت حدی و اجتناب ناپذیر می باشد، چنانکه اضافه بر تجربه های جاری و علمی، پیشوایان عالیقدر اسلام نیز ضرورت خویشتن سازی، و ارائه روش "رفتاری" آنرا، مورد تاء کید قرار داده اند:

اینهمه اصرار داریم ، بدین خاطر است ، کسه می تواند ، وجود مربی را عنصری صالح و فیاض گرداند ، و از چشمه سار وجود حنن عنصری ، حویبارهای فیض و فضیلت ، رحم و مروت ، و بالاخره مهر و محبت ، برگسترار وجود تشنه و افسرده کودکان و نونهالان سرازیر گردد . و بکارگیری روش محبت ، بعنوان یک سنت عملی اخلاقی و تربیتی ، عناصر جامعه امروز ، و آینده سازان فردای درخشانرا ، عناصری رشید و نیرومند ، مؤثر و خاصیت دار ، و خلاصه نیروهای آگاه و بر احساس و خدمتگزار پرورش دهد .

آری ، بکارگیری روش محبت رادر فـلمـرو تربیت کودکان ، درخانه و مدرسه تا این حد ضروری و سازنده می دانیم ، لذت اعمال رحم و محبت ، و نیز مسؤلیت بکارگیری چنین شیوه مؤثر تربیتی را هم اضافه بر آنچه در احادیث اسلامی مطالعه کردیم ، چیزی است که "ژان ژاک روسو" متفکر و دانشمند بزرگ تربیتی نیز می نویسد : ای مردم ، رحیم باشید ، به تمام مردم از هر طبقه و سنی که هستند ترحم کنید ، ترحم اولین و طیفه شاست ، آیا عقل حکم می کند جز رحم و مروت کاردیگری بکنید ؟ اطفال را دوست بدارید ، به تفریحها و بازیهای آنها کمک کنید حرکات طبیعی و زیبای آنها را تشویق نمائید .

آیا در میان شما کسی هست که ، گاه گاهی بر ایام طفولیت ، که همیشه لبها متبسم و روحها آرام است ، دریغ و افسوس نخورد ؟ برای چسه می خواهید ، این کودکان بیگناه را ، از استفاده زمان کوتاهی که سرعت درگذر است محروم سازید ؟ چرا می خواهید اولین سالهای زندگانی را ، که به سرعت درگذراست آمیخته بارتج و الم نمائید ؟ مگر نمی دانید که این ایام خوشی همانطوریکه برای شما باز نمی گردد ، برای

زشت و ناروایی را مشاهده کردید ، حتما" (در مقام پرورش دیگران) خویشتن را از اینگونه ناروایی ها و نواقص ، پیراسته گردانید . باری ، اینکه روی " تربیت مربی " اینهمه ناه کید می گردد ، هرگز نباید سوء برداشتی صورت گیرد زیرا پیامبر والا گهر اسلام را هم با آنهمه عظمت و حلال ، ماورا تربیت یافته خداوند می دانیم ، و آن بزرگوار هم پیـساز دریافت تربیت الهی ، و خود ساختگی متعالی در مقام راهبری و تربیت جامعه برآمده است .

امام صادق (ع) فرموده : ان الله عزوجل ادب نبیه ، فاحسن ادبه ، فلما اکمل له الادب قال : وانك لعلى خلق عظیم ، ثم فوض الیه امر الناس والامه ، لیسوس عبادہ .

خداوند متعال ، پیامبر خویش را تربیت شایسته ای نمود ، و آنگاه که آن بزرگوار به کمال تربیت و تکامل دست یافت ، به او فرمود : تودارای خلق عظیمی هستی ، و پس از این مرحله رسالت رهبری جامعه و امت اسلامی را به او واگذار کرد ، تاوی مربی و سیاستگزار بندگان خداوند باشد .

آن حضرت خود نیز به این تربیت یافتگی و خویشتن ساختگی اعتراف می کند ، و می فرماید : ادبنی ربی ، فاحسن تأدیبی .

پروردگار من ، مرا پرورش داد ، و تربیت خداوند هم ، برای من تربیت شایسته ای بود . امام علی (ع) هم فرموده : ان رسول الله (ص) ادبه الله ، و هو ادبنی ، و انما اودب المؤمنین .

براستی ، پیامبر را خداوند تربیت کرد ، آن بزرگوار هم مرا پرورش داد ، و منم تربیت کننده اهل ایمان می باشم .

بنابراین ، اینکه روی " تربیت یافتگی مربی "

آنها نیز باز نخواهدگشت؟! .

ب : ضرورت روش محبت

برای اینکه حتی "بیگانه نیز حلقه بگوش شود" دربالا ضرورت لطف ومحبت رابطورفشرده تبیین کردیم ، البته حد ومرزی راهم که درزمینه "اعمال محبت" می بایست معمول داشت و "شیوه مطلوب" آنرا انتخاب نمود ، امسری است که درسایه تعالیم درخشان اسلام ، مرحله اجرائی آنرا ، مری باتوجه به شرائط روانی واستعدادهای عمومی مخاطبین ، خود می تواند انتخاب نماید .

اکنون به منظورارائه مصادیق ، ودرجهت "رشد شخصیت" درکودکان ، نمونه هائی را از "روش رفتاری" پیامبر عالیقدر ، وسفارش امام صادق (ع) درزمینه برخورد "عملی تربیتی" مورد مطالعه قرار می دهیم :

۱ - پیامبر اسلام می فرمود : پنج خصلت است که ، من تا زنده هستم ، هرگز از آن غفلت نخواهم کرد ، ازحمله : التسليم على الصبيات لتكون سنه من بعدى .

پیوسته به کودکان سلام می کنم ، تا این شیوه مطلوب پس از من ، درمیان مسلمانان بصورت سنت وروش رفتاری حاویدانی باقى بماند .

۲ - امام صادق (ع) فرموده است : التلطف بالصبيان ، من عاده الرسول ،

یکارگیری شیوه لطف ومحبت نسبت به کودکان ، ازاخلاق وعادات همیشگی پیامبربزرگوار اسلام بود .

۳ - پیامبر عالیقدر اسلام ، درمورد افرادی که ، بجای محبت وشفقت ، دلهای سخت وبی مهر ، وروشهای خشن ودافعه دار داشتند می فرمود : لیس منا من لم یوقر کبیرنا ، ولم یرحم صغیرنا .

کسیکه بزرگترها را احترام نمی گذارد ، وبسه کوچکترها هم رحم ومحبت روا نمی دارد ، ازامت من نخواهد بود!

۴ - دربیانی هم از امام صادق (ع) وارد شده : ان الله تعالى لیرحم الرجل ، لشده حبه لولده .

خداوند متعال انسانرا بخاطر محبت زیادى که نسبت بفرزند خود اعمال می دارد ، مورد لطف ورحمت خویش قرار می دهد .

بنابراین ، شیوه رفتاری رسول اکرم (ص) که مری نمونه ، پیامبر رحمت ، وآموزگار عالم بشریت بود باکودکان ، که برای رشد وتعالی و پرورش شخصیت عناصر درخور محبت وتکریم وحمایت می باشند ، برخورد محبت آمیز بوده ودر بیان امام صادق (ع) هم که ، صرفاً "محبت بدرنسبت بفرزند" مطرح گردیده ، این یک اصل کلی است که براساس قاعده کلی "کما تدین تدان" . یعنی ، ازهردستی که می دهید پس می گیرید ، وهرچه نیکی کنید ، پاداش آنرا نیز خود دریافت می دارید ، مریبان ملزم به "اعمال محبت" می باشند ، وجنانچه آنان نسبت بکودکان ، رفتار محبت آمیز داشته باشند ، خود

وفرزندان آنان هم ، بر بهره وعکس العمل این محبت را دریافت خواهند داشت .